

# نقش تشکل‌های دانش‌آموزی در تربیت اجتماعی

«دانش‌آموزان مقطع راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی در استان لرستان»

فرهاد طهماسبی<sup>۱</sup>

## چکیده

این مقاله به بررسی نقش تشکل‌های دانش‌آموزی در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد. جامعه آماری شامل ۶۰۱ نفر دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان لرستان (۳۶۳ نفر گروه آزمایش و ۲۳۸ نفر گروه گواه) بودند که به روش تصادفی از بین ۵ منطقه ناحیه ۱ خرم‌آباد، بروجرد، سلسله، دورود و شلمولان و سپهر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای (در داخل مناطق و مدارس) انتخاب گردیده‌اند.

نتایج حاصل از پژوهش نشانگر وجود رابطه بین عضویت دانش‌آموزان در تشکل‌های دانش‌آموزی و با مسئولیت‌پذیری، نظم‌پذیری و انتخاب شغل بود، اما بین عضویت در تشکل‌های دانش‌آموزی با سه متغیر مشارکت‌پذیری، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خارج از مدرسه رابطه‌ای مشاهده نگردید.

**کلید واژه:** تشکل‌های دانش‌آموزی، تربیت اجتماعی، دانش‌آموزان راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی، استان لرستان، سال ۱۳۸۱.

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

مهم‌ترین اصل در نگاه به تعلیم و تربیت، معانی آن است. (EDUCATION) از نگاه یک کتاب‌لغت معتبر یعنی «پرورش کودک یا نوجوان، مجموعه‌ی عادات فکری که [باید] کسب شود و مجموعه‌ی خصایل اخلاقی که [باید] رشد کند.» (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰).

«جان دیویی» یکی از صاحب‌نظران علم تعلیم و تربیت اعتقاد دارد، تربیت مجموعه‌ی فرآیندهایی است که از طریق آن گروه یا جامعه‌ای چه کوچک باشد و چه بزرگ، قدرت‌ها و مقاصد مکتسب خویش را منتقل می‌کند تا بقای خود و رشد مداوم خویش را تضمین کرده باشد. (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰)

«تربیت در لغت به معنی نشو و نما و برتر نهادن، زیاد کردن، برکشیدن، پروردن، بزرگ داشتن و ارزنده ساختن است.»<sup>۱</sup> به قولی شرط لازم نیل آدمی به مرحله‌ی کمال انسانی و تعلیم و تربیت است. از نظر «دورکیم»، علم تربیت عبارت است از مطالعه‌ی نحوه‌ی پیدایش و طرز عمل نظام‌های تربیتی که در واقع نوعی نظریه علمی

است. (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰)

برخی از اندیشمندان به تربیت طبیعی بشر اعتقاد دارند. ژان ژاک روسو از این دسته صاحب‌نظران است که در تربیت به توسعه‌ی تمایلات ذاتی آدمی توجه می‌کند ولی جهت خود به خودی آنها را همواره محترم می‌شمارد و از انحرافات احتمالی آن جلوگیری می‌کند. برخی نیز مانند «دروکیم» به نقش اجتماع در تربیت انسانی توجه دارند. وی می‌نویسد: «انسانی که تربیت در صدد تحقق آن در کودک است آدمی نیست که طبیعت پرداخته است بلکه انسانی است که جامعه می‌پسندد.» (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰)

یکی از مهمترین کارکردهای عمومی تعلیم و تربیت، اجتماعی کردن افراد جامعه است. اجتماعی شدن به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است یا به عبارت دیگر فراگردی است که به واسطه‌ی آن هر فرد دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می‌کند.

بخش مهمی از جامعه‌پذیری از طریق یادگیری نقش‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد. هر فرد باید در طول زندگی خود ایفای نقش‌های کودک، دانش‌آموز، پدر یا مادر، کارمند، عضو یک طبقه‌ی اجتماعی معین، شهروند و بسیاری دیگر را بیاموزد. هیچ‌کس نمی‌تواند نقشی را با موفقیت عهده‌دار شود، مگر این‌که طوری پرورش یافته باشد که آن را به عنوان نقشی با ارزش، رضایت‌بخش و متناسب با ویژگی‌های خود تلقی کند. (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰)

ملاحظه می‌شود که یکی از اهداف آموزش و پرورش، تربیت اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان و به طور خلاصه نسل آینده توسط نسل بزرگتر است.

برای تحلیل این نقش، رویکردهای مختلفی به موضوع شده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به رویکرد کارکردگرایی، ستیزگرایی، تعامل‌گرایی، نظم اجتماعی دورکیمی، تحول اجتماعی «وبری»، مدرسه‌زدایی «ایلچ»، بازآفرینی فرهنگی «گیدنز» و نظریه‌ی

سیستمی «پارسونز» اشاره کرد.

پژوهش درخصوص نقش «سازمان اجتماعی» در «تربیت اجتماعی» و جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان جامعه، از پیچیدگی جوامع و ارتباطات اجتماعی حکایت می‌کند. در این وضع نوجوان و جوان بایستی با پذیرفتن «نقش اجتماعی رسمی» در یک تشکل دانش‌آموزی یا سازمان اجتماع، خاص به آن سطح از مهارت‌ها دست یابد که بتواند به سازگاری با محیط اجتماعی، گروه‌ها و افراد انسانی پیرامون خود نزدیک گردد و در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی سهیم گردد. مدرسه و فعالیت‌های فوق برنامه دانش‌آموزان در آن، که در قالب تشکلهای دانش‌آموزی صورت می‌گیرد یکی از مؤسسات نهاد بزرگ آموزش و پرورش است که فرد بخش مهمی از دوران حیات خود را در آن می‌گذراند و بیشترین سهم را در تربیت اجتماعی او دارد.

در این پژوهش، تربیت اجتماعی به معنای مجموع رفتارهای معنادار، واکنش‌ها و نگرش‌ها و مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که فرد در فرآیند زندگی اجتماعی در مورد خانواده، همسالان، گروه‌های اجتماعی، دوستان، همسایگان، نهادها، جامعه‌ی ملی و بالاخره جوامع انسانی و پیشرفت کسب می‌کند.

هدف غایی جامعه‌پذیری (Internalize) هنجارها، ارزش‌ها، باورها و عناصر کارکردی اجتماعی در افراد، پذیرش افراد متفکر، نقاد و تربیت شهروند مطلوب است. (معانی، محمود، ۱۳۷۴)

**موارد و روش‌ها:**

#### ۱. مسئله‌ی پژوهش

مسئله‌ی اصلی پژوهش این است که تشکلهای دانش‌آموزی چه نقشی در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند.

برای آزمون‌پذیری مفهوم تربیت اجتماعی از میان انبوه متغیرها و شاخص‌ها، شش متغیر انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند که شامل پذیرش و درونی کردن هنجارهای

اجتماعی (مشارکت، نظم، فعالیت و انتخاب)، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت پذیری، مسئولیت‌پذیری، نظم‌پذیری، میزان فعالیت‌های اجتماعی خارج از مدرسه و انتخاب شغل و ترسیم آینده‌ی دانش‌آموزان است.

مطالعات اکتشافی نشان می‌دهد که بین سازمان‌یافتگی افراد و سطح جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. تربیت اجتماعی بخشی از فرآیند اجتماعی شدن انسان است.

«بروس کوئن» اجتماعی شدن را فرآیندی می‌داند که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه می‌آموزد، به او شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد. وی اهداف اجتماعی شدن را شامل فراگیری مهارت‌های ضروری زندگی، توانایی ایجاد ارتباط مؤثر با دیگران، رفع نیازهای خود و تمرکز بر ارزش‌ها و اعتقادات اساسی جامعه در ذهن فرد برمی‌شمرد. وی خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان و رسانه‌های جمعی را از عمده‌ترین عوامل فرآیند اجتماعی شدن ذکر می‌کند. (کوئن، بروس، ۱۳۷۲)

«کنیک» دیگر جامعه‌شناس آمریکایی، اجتماعی شدن را دارای دو معنا می‌داند. از طرفی چگونگی اکتساب عادات، رسوم و رفتار گروه از جانب فرد و همانند شدن با اعضای جامعه است و از طرف دیگر آن را کیفیت تشکیل گروه‌های متحد بر اثر پرورش حس تعلق معنا می‌کند. (کنیک، ساموئل، ۱۳۵۳)

برخی دیگر از جامعه‌شناسان فرآیند اجتماعی شدن را این‌گونه توضیح می‌دهند که شخصیت بر بنیان سه زمینه‌ی اساسی بنا می‌شود. نخست زمینه‌ی زیستی (بیولوژیک) است. برخی از ویژگی‌های زیستی نتیجه‌ی وراثت و تعیین‌کننده‌ی پاره‌ای از استعدادها مثلاً سلامت خوب یا بد هستند. زمینه‌ی دوم یادگیری اجتماعی است. جامعه قواعد رفتار پسندیده را از خلال وجود دیگران و از طریق برخی از نهادها به افراد منتقل می‌کند و بالاخره سومین زمینه، تاریخ زندگی شخصی فرد است. تشکیل شخصیت فرد منحصر به زمینه‌ی زیستی خود او عناصر مشترک اجتماعی گروه نیست. این دو با هم تأثیر و تأثر

متقابل دارند و از بازی هردوی آنها با هم است که تاریخ زندگی شخصی هر فرد پدید می‌آید، تاریخی که به خاطر آن هر شخصی در حکم فردی یگانه است. (گورویچ، ژرژ وندراس، هانری، ۱۳۶۹)

یکی از صاحب‌نظران فلسفه‌ی تعلیم و تربیت مفهوم تربیت را نه آمادگی برای زندگی بلکه خود زندگی و رمز نیک بخت زندگی کردن را عمل مثبت انجام دادن می‌داند. (کنیک، ساموئل، ۱۳۵۳)

## ۲. ضرورت و اهداف پژوهش

امروزه تشکلهای دانش‌آموزی نقش قابل توجهی در فعالیت‌های تربیتی و فوق برنامه دانش‌آموزان برعهده گرفته‌اند. این نقش نوین باعث می‌شود که میزان تأثیرگذاری آنها در شخصیت اجتماعی و تربیت اجتماعی دانش‌آموزان افزایش یابد به این ترتیب ضرورت پژوهش در خصوص نقش این تشکلهای در شکل‌گیری برخی شاخص‌های تربیت اجتماعی دانش‌آموزان احساس گردید.

از اجرای این پژوهش دو اصل کاربردی تعقیب می‌شده است:

۱. شناخت میزان تأثیر تشکلهای دانش‌آموزی در تربیت اجتماعی آنان و پیدایش

نقش هر کدام از متغیرهای شش‌گانه در این امر؛

۲. ارائه راهکارهایی به منظور تعمیق و گسترش نقش فعالیت‌های سازمان یافته و

شناسنامه‌دار دانش‌آموزی با توجه به نقشی که در تربیت اجتماعی آنان برعهده دارند.

## ۳. پیشینه‌ی تحقیقی موضوع

موضوع این تحقیق بررسی نقش تشکلهای دانش‌آموزی در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان است. در بررسی اولیه، پژوهشی که با این عنوان انجام گرفته باشد به دست نیامد اما تحقیقاتی مرتبط با این موضوع صورت گرفته که به تعدادی از آنان اشاره مختصری می‌شود.

در تحقیقی تحت عنوان «بررسی نقش تشکیلات دانش‌آموزی در روحیه‌ی نظم و انضباط فردی و گروهی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی شهر اصفهان» در که سال ۱۳۷۹ انجام گرفته است دو فرضیه شامل نظم فردی و گروهی اعضای تشکیلات دانش‌آموزی بیشتر از غیر اعضا است و تأثیر تشکل‌ها در نظم‌پذیری دختران بیشتر از پسران است، به بوته آزمون گذاشته شده که هر دو فرضیه به اثبات رسیده است.

نمونه‌ی این پژوهش شامل ۱۶۰ نفر عضو تشکل‌های دانش‌آموزی و ۸۰ غیر عضو بوده و از سه نوع پرسشنامه‌ی خود ساخته و حاوی ۳۰ سؤال برای مصاحبه با دانش‌آموزان، والدین و دبیران استفاده شده است. از جمله نقاط ضعف این تحقیق باتوجه به داشتن دو گروه نمونه‌ی گواه و تجربی استفاده از فرضیه‌های توصیفی به جای فرضیه‌های علت و معلولی یا رابطه‌ای است.

در تحقیقی دیگر به نام «بررسی تأثیر و فراوانی و نوع اردوها و بازدیدها در تغییر رفتار دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی در شهر اصفهان» که توسط خانم عفت بهشتی و با حمایت شواری تحقیقاتی آموزش و پرورش استان اصفهان در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته، چهار سؤال که به صورت فرضیه نوشته نشده‌اند، مطرح گردیده است که عبارت‌اند از:

۱. آیا اردوها در ایجاد و تقویت روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و همکاری دانش‌آموزان مؤثر است؟

۲. آیا تأثیرپذیری از اردوها با جنسیت و پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط دارد؟

۳. آیا بازدیدها در دانش‌آموزان در میزان اطلاعات علمی آنان مؤثر است؟

۴. آیا تأثیر بازدیدهای اطلاعاتی علمی دختران و پسران یکسان است؟

نتایج حاصله حاکی از تأیید رابطه و پاسخ مثبت به سئوال‌های اول، دوم و چهارم و عدم ارتباط بین متغیرهای سؤال سوم است) در این تحقیق با استفاده از روش تجربی (پیش‌آزمون) ۹۰ نفر دانش‌آموز حاضر در کلاس درس و ۶۰ نفر در اردوها به عنوان نمونه‌ی تحقیق با توزیع یک پرسشنامه‌ی ۴۵ سؤالی مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

از نقاط ضعف تحقیق مزبور می‌توان به تحدید نکردن موضوع، نداشتن تعریف



عملیاتی مناسب و مطلوب برای متغیر تغییر رفتار، استفاده نکردن از سؤالات و فرضیه‌های کاملاً علمی و روشن نبودن چگونگی تعیین حجم نمونه از لحاظ اجرای روش‌های علمی اشاره کرد.

در یک پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی تحت عنوان مقایسه‌ی بینش سیاسی دانش‌آموزان عضو اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با افراد غیر عضو در این مجموعه در ناحیه‌ی یک شهر خرم‌آباد شش فرضیه به بوته‌ی آزمون گذاشته شده است:

۱. آشنایی اعضا با اصول و فروع دین بیشتر از غیر اعضا است؛

۲. آشنایی اعضا با مسائل اجتماعی بیشتر از غیر اعضا است؛

۳. آشنایی اعضا با مسائل سیاسی بیشتر از غیر اعضا است؛

۴. آشنایی اعضا با مسائل تاریخی بیشتر از غیر اعضا است؛

۵. آشنایی اعضا با مسائل جغرافیایی بیشتر از غیر اعضا است؛

۶. بینش سیاسی اعضا با غیراعضا دارای تفاوت معناداری است.

در این تحقیق هر شش فرضیه تأیید شده است. این تحقیق که در سال ۱۳۷۵ صورت گرفته، دارای ۷۰ نفر نمونه‌ی تجربی و ۳۰ نفر نمونه‌ی گواه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است از نقاط ضعف آن می‌توان به بی‌ارتباطی بعضی سؤالات تحقیق با موضوع آن، نقص در نمونه‌گیری و شیوه‌ی تعیین حجم نمونه و ادعای بهره‌گیری از آزمون آماری T بدون انجام آن اشاره کرد.

در یک پایان‌نامه‌ی دیگر از دوره‌ی کارشناسی تحت همین عنوان ۵ سؤال تقریباً مشابه تحقیق پیشین با استفاده از ۱۰۰ نفر نمونه شامل ۵۰ نفر عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و ۵۰ نفر غیر عضو در شهرستان دورود مورد آزمون قرار گرفته که پاسخ هر پنج سؤال حاکی از تفاوت بین دانش‌آموزان عضو با غیر اعضا است. مشابهت فراوان هر دو پژوهش و داشتن ضعف‌های مشابه حکایت از پایین بودن سطح هر دو تحقیق از لحاظ رعایت شیوه‌ها و اسلوب‌های علمی پژوهش است.

در یک پایان‌نامه‌ی دیگر تحت عنوان بررسی نقش فعالیت‌های فوق برنامه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه‌ی سوم راهنمایی شهرستان الیگودرز شش فرضیه در

میان ۱۰۰ نفر نمونه با شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده و استفاده از پرسشنامه‌ای با هفده سؤال به بوت‌ی آزمون گذاشته شده است.

۱. بین فعالیت‌های فوق برنامه و فعالیت اجتماعی رابطه وجود دارد؛

۲. بین فعالیت‌های فوق برنامه و یادگیری رابطه وجود دارد؛

۳. بین فعالیت‌های فوق برنامه و امکانات زندگی رابطه وجود دارد؛

۴. بین فعالیت‌های فوق برنامه و شکوفایی استعداد‌های ذهنی رابطه وجود دارد؛

۵. بین فعالیت‌های فوق برنامه و تقویت اعتماد به نفس رابطه وجود دارد؛

۶. بین فعالیت‌های فوق برنامه و آرامش روحی و عاطفی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصله حاکی از تأیید فرضیه‌های اول، دوم، سوم، پنجم و ششم بوده و فرضیه‌ی چهارم نیز تأیید نشده است.

این تحقیق نیز دارای ضعف‌های اساسی است. اول آنکه فرضیه‌های تحقیق با موضوع آن تناسب و همخوانی ندارد.

دوم اینکه از روش علمی مناسب برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب بهره‌گرفته نشده است و سوم آنکه از منابع معتبر علمی برای شاخص‌سازی بهره‌گرفته نشده است.

در تحقیقی دیگر به بررسی و توصیف فعالیت‌های فوق برنامه کشورهای صنعتی توجه شده است در این تحقیق که با روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته مشخص شده که فعالیت‌های فوق برنامه در ژاپن، انگلیس و استرالیا شامل دو بخش تفریحات و سرگرمی و مهارت‌آموزی و فعالیت‌های داوطلبانه است. (ملکشاهی، عزت، ۱۳۷۵)

محققان خارجی نیز تحقیقاتی در خصوص نقش مدرسه و فعالیت‌های خاص آن در رشد و تکامل اجتماعی دانش‌آموزان انجام داده‌اند.

«میناچین» و «شاپیرو» (۱۹۸۳) در زمینه‌ی بعد اجتماعی مدرسه به این نتیجه رسیده‌اند که مدارس در دوره‌ی پیش‌دبستانی و ابتدایی و متوسطه زمینه‌های اجتماعی متمایزی با تشکیلات متفاوت دارند.

«وایت‌آلن» و «سیلمورچلاتون» (۱۹۹۴) اثرات تعاملی مسئولیت اجتماعی و رضایت‌مندی از دانشگاه بر رفتار فرآینقی را در بین ۵۷ دانشجوی پسر و ۲۰۹

دانشجوی دختر آزمایش کردند. یافته‌های آنان بر این نکته تأیید می‌کرد که رضایتمندی دانشجویان بیشتر در بین آزمودنی‌های که در مسئولیت اجتماعی پایین بودند در مقابل دانشجویان دارای مسئولیت بیشتر با رفتار فرانقشی مرتبط بود. دانشجویان رضایتمندی سطح بالاتری از رفتارهای فرانقشی را بدون توجه به سطح مسئولیت‌های اجتماعی شدن گزارش کرده‌اند.

### فرضیه‌های پژوهش

۱. بین عضویت در تشکلهای دانش‌آموزی و مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین عضویت در تشکلهای دانش‌آموزی و میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. بین عضویت در تشکلهای دانش‌آموزی و میزان آگاهی‌های اجتماعی - سیاسی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. بین عضویت در تشکلهای دانش‌آموزی و نظم‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۵. بین عضویت در تشکلهای دانش‌آموزی و فعالیت‌های اجتماعی خارج از مدرسه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۶. بین عضویت در تشکلهای دانش‌آموزی و و انتخاب شغل از سوی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

### ۴. روش تحقیق:

در این پژوهش از روش پس‌رویدادی (مقایسه‌ای) و بهره‌گیری از پیمایش داده‌ها استفاده شده است. مدل نظری پژوهش مدلی کارکردی ساختی است که در آن تشکلهای دانش‌آموزی به عنوان یک ساخت اجتماعی و نتایج و آثار آن در قالب شش

متغیر پژوهش به عنوان کارکرد ساخت مورد اشاره مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در این کارکرد مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد و ساختار نیز عبارت از توزیع جمعیتی مردم در جایگاه‌های اجتماعی که بر روابط و کنش متقابل اجتماعی تأثیر داشته است.

#### ۵. نمونه‌ی آماری و ابزار تحقیق:

جامعه‌ی آماری این پژوهش ۲۸۴۹۳۷ نفر دانش‌آموز مقاطع تحصیلی راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان لرستان و نمونه‌ی تحقیق در قالب دو گروه اعضای تشکل‌های دانش‌آموزی و افراد غیر عضو بوده‌اند. برای نمونه‌گیری از شیوه‌ی چندمرحله‌ای و ترکیبی استفاده شده و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه (کوکران) ۳۶۳ نفر از اعضای تشکل‌های دانش‌آموزی و ۲۳۸ نفر از غیر اعضای به عنوان نمونه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق ساخته متشکل از طیف‌های نظرسنجی و سؤالات مستقیم برای سنجش متغیرها بوده است. برای محاسبه‌ی روایی آن از روش آزمون - بازآزمون استفاده شده که ضریب همبستگی دو آزمون ۰/۸۱ محاسبه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از جداول فراوانی و درصدی و ضرایب توافق کای اسکوار، فی، کندال و ۷ کرامرز با توجه سطوح سنجش متغیرها بهره گرفته شده است.

یافته‌های تبیینی پژوهش:

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان مسئولیت‌پذیری

جمع	عضویت		میزان مسئولیت‌پذیری
	ندارد	دارد	
۵	۴	۱	خیلی کم
۱۷۱	۵۹	۱۱۲	کم
۵۳	۴۳	۱۳۲	زیاد
۵۳	۹	۲۶	خیلی زیاد
۳۸۶	۱۱۵	۲۷۱	جمع

$B = 0/118$  کندانال  $= 0/164$  ضریب فی  $= 3$  کای اسکوا

$C = 0/118$  کندانال  $= 0/015$  مرز بحرانی

داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و عضویت آنان در تشکلهای دانش‌آموزان رابطه‌ی معنادار وجود دارد و این رابطه مستقیم و مثبت است؛ یعنی عضویت در تشکلهای دانش‌آموزان می‌تواند منجر به بالا رفتن میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان شود.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان نظم‌پذیری

جمع	عضویت		میزان نظم‌پذیری
	ندارد	دارد	
۵	۴	۱	خیلی کم
۴۱	۱۶	۲۵	کم
۶۶	۲۳	۴۳	زیاد
۲۶	۱۳۳	۲۹۳	خیلی زیاد
۳۸	۱۷۶	۳۶۲	جمع

$B = 0/661$  کندانال  $= 0/108$  ضریب فی  $= 3$  کای اسکوا

$C = 0/52$  کندانال  $= 0/09$  مرز بحرانی

داده‌های جدول شماره ۲ حاکی است که بین نظم‌پذیری و عضویت دانش

تشکل‌های دانش‌آموزی رابطه وجود دارد.

کسانی که عضویت تشکل‌های دانش‌آموزی هستند، بیشتر از غیر اعضای نظم‌پذیر.

جدول شماره‌ی ۳- توزیع پاسخگویان برحسب مشارکت‌پذیری (مکان تحصیل بروجرد)

جمع	عضویت		مشارکت‌پذیری
	ندارد	دارد	
۰	۰	۰	کم
۱۴	۹	۵	متوسط
۴۷	۱۴	۳۳	زیاد
۶۱	۲۳	۳۸	جمع

$$B = 0/289 \text{ کندال} \quad = 0/299 \text{ ضریب فی} \quad = 5/46 \text{ کای اسکوا}$$

$$C = 0/244 \text{ کندال} \quad = 0/019 \text{ مرز بحرانی}$$

$$V = 0/289 \text{ کرامرز}$$

نتایج جدول شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد که در شهرستان بروجرد بین عضویت دانش‌آموزان در تشکل‌های دانش‌آموزی و مشارکت‌پذیری آنان رابطه‌ای مستقیم و مثبت وجود دارد. کسانی که عضو تشکل‌های دانش‌آموزی در بروجرد هستند، مشارکت‌پذیری بیشتری نسبت به غیر اعضا دارند.

جدول شماره‌ی ۴- توزیع پاسخگویان دختر برحسب مشارکت‌پذیری

جمع	عضویت		مشارکت‌پذیری
	ندارد	دارد	
۳	۳	۰	کم
۴۸	۱۶	۳۲	متوسط
۷۲	۱۵	۵۷	زیاد
۱۲۳	۳۴	۸۹	جمع

$$B = 0/205 \text{ کندال} \quad = 0/289 \text{ ضریب فی} \quad = 10/299 \text{ کای اسکوا}$$

C= ۰/۱۸۴ = مرز کندال      ۰/۲۸۹ = مرز بحرانی      ۰/۰۰۵۸ = مرز بحرانی

نتایج حاصله در جدول شماره ۴ حاکی است که بین عضویت دانش‌آموزان دختر در تشکل‌های دانش‌آموزی و مشارکت‌پذیری آنان رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود دارد. دخترانی که عضو تشکل‌های دانش‌آموزی هستند بیشتر از غیر اعضا مشارکت‌پذیرند این رابطه در خصوص پسران دانش‌آموزان مشاهده نگردید.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش دو گروه نتیجه‌ی توصیفی و تبیینی دارد. نتایج توصیفی آن حاکی است که ۵۸ درصد پاسخگویان دختر، ۶۸ درصد عضو تشکل‌های دانش‌آموزی ۴۲ درصد مشغول به تحصیل در دوره‌ی راهنمایی، ۴۸ درصد در دوره‌ی متوسطه و ۲ درصد در مقطع پیش‌دانشگاهی هستند. همچنین ۴۲ درصد پاسخگویان کمتر از ۲ سال، ۱۲/۹ درصد ۲ تا ۴ سال، ۵/۹ درصد بیشتر از چهار سال عضو تشکل‌های دانش‌آموزی بوده‌اند.

از نتایج تبیینی پژوهش می‌توان به وجود رابطه‌ی معنا دار میان عضویت دانش‌آموزان در تشکل‌ها و مسئولیت‌پذیری، نظم‌پذیری و انتخاب‌شغل آنان اشاره کرد. در واقع سه متغیر مسئولیت‌پذیری، نظم‌پذیری و انتخاب‌شغل با متغیر وابسته تحقیق رابطه‌ی معنا دار دارند. سه متغیر فعالیت‌های خارج از مدرسه، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان با عضویت در تشکل‌های دانش‌آموزی رابطه‌ی معنا دار ندارند.

از جمله نتایج فرعی پژوهش می‌توان به رابطه‌ی معنا دار مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان بروجرد و دورود با متغیر وابسته، رابطه‌ی معنا دار مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان خرم‌آباد با متغیر وابسته، رابطه‌ی معنا دار انتخاب‌شغل توسط دختران با متغیر وابسته و رابطه‌ی معنا دار آگاهی سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان دختر با عضویتشان در تشکل‌های دانش‌آموزی اشاره کرد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تربیت اجتماعی دانش‌آموزان متأثر از عضویتشان در تشکل‌های دانش‌آموزی می‌باشد و در آن شکی نیست و می‌توان با قاطعیت گفت که یکی از عواملی که تربیت اجتماعی دانش‌آموزان را شکل می‌دهد تشکل‌های دانش‌آموزی است. اما از متغیرهای شش‌گانه پژوهش که به عنوان شاخص‌های تربیت اجتماعی مورد آزمون قرار گرفته بودند، سه متغیر نظم‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و انتخاب شغل متأثر از عضویت در تشکل‌هاست و سه متغیر مشارکت‌پذیری، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خارج از مدرسه رابطه‌ای با عضویت در تشکل‌های دانش‌آموزی ندارند و بایستی متغیرهای دیگری در پژوهش‌های بعدی مورد آزمون قرارگیرند.

به این ترتیب مدل نظری پژوهش که کارکرد اجزا را در ساخت مورد بررسی قرار می‌داد در قالب متغیرهای سه‌گانه پذیرش شده قابل دفاع است.

برای همین نتایج پیشنهاد می‌شود که اقداماتی به شرح ذیل انجام پذیرد:

۱. طراحی و برنامه‌ریزی مطلوب و مناسب برای تعمیق نقش تشکل‌های دانش‌آموزی در برانگیختگی حس نظم‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و انتخاب آینده مطمئن و قوی‌تر در دانش‌آموزان عضو؛
۲. تقویت حس مسئولیت‌پذیری از طریق واگذاری فعالیت‌های اجرایی تشکل‌ها به دانش‌آموزان عضو؛
۳. تقویت حس نظم‌پذیری دانش‌آموزان با استفاده از همفکری آنان در تدوین آئین‌نامه‌های انضباطی تشکل‌های دانش‌آموزی؛
۴. آیین طراحی و اجرای دقیق طرح‌آشنایی دانش‌آموزان با مشاغل به صورت مدون و متناوب و به هم پیوسته در طول سال تحصیلی؛
۵. تدوین و اجرای برنامه آموزشی و تبلیغی در خصوص اهمیت و ضرورت و نقش تشکل‌های دانش‌آموزی در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان و ارائه‌ی آن به صورت وسیع و گسترده در مدارس و مکان‌های آموزشی؛



۶. تدوین برنامه‌های اجرایی تشکلهای دانش‌آموزان به منظور تقویت روحیه‌ی مشارکت‌پذیری آنان؛

۷. سمت‌گیری برنامه‌های تشکلهای به فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه همانند کارهای خیریه، زیست محیطی و فرهنگی - اجتماعی به منظور تقویت فعالیت‌های اجتماعی خارج از مدرسه دانش‌آموزان؛

۸. برگزاری دوره‌های آموزشی سیاسی، حقوق شهروندی و همانند آن به منظور افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و تقویت بنیان تربیت اجتماعی دانش‌آموزان؛

۹. اجرای پژوهش‌های مکمل با در نظر گرفتن متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



## منابع پژوهش

۱. بهشتی، عفت، ۱۳۷۹، تحقیق بررسی تأثیر فراوانی و نوع اردوها و بازدیدها در تغییر رفتار دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی شهر اصفهان. شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
۲. خانجمالی، رضا، ۱۳۷۵، پژوهشی در مقایسه‌ی رشد دانش‌آموزان عضو اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی با سایر دانش‌آموزان خرم‌آباد. مرکز آموزش عالی آیت‌اله کمالوند.
۳. خیرایی، خیراله، ۱۳۷۹، بررسی نقش شوراهای دانش‌آموزی در رشد اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه خرم‌آباد. خرم‌آباد: معاونت پرورشی آموزش و پرورش لرستان.
۴. ذهابی، قاسمعلی، ۱۳۷۵، تحقیق بررسی و مقایسه‌ی بینش سیاسی دانش‌آموزان عضو اتحادیه انجمن‌های اسلامی با سایر دانش‌آموزان. خرم‌آباد، مرکز آموزش عالی آیت‌اله کمالوند.
۵. سرلک، حشمت، ۱۳۷۵، بررسی نقش فعالیت‌های فوق برنامه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. خرم‌آباد: مرکز آموزش عالی آیت‌اله کمالوند.
۶. عالی، شهیندخت، ۱۳۷۹، بررسی نقش تشکیلات دانش‌آموزی در روحیه‌ی نظم و انضباط فردی و گروهی. اصفهان: اداره‌ی کل آموزش و پرورش (شورای تحقیقات).
۷. کنیک، ساموئل، ۱۳۴۳، جامعه‌شناسی، ترجمه همدانی، مشفق. تهران: سیمرغ.
۸. کوئن، بروس، ۱۳۷۲، مبانی جامعه‌شناسی، توسلی، غلامعباس. تهران: انتشارات سمت.
۹. گورویچ، ژرژ، مندراس، هانری، ۱۳۶۹، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی پرهام‌ی باقر. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. معانی، محمود، ۱۳۷۸، شناخت اهداف تربیت اجتماعی. تهران: مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی.
۱۱. ملکشاهی، عزت، ۱۳۷۵، بررسی فعالیت‌های فوق برنامه در کشورهای ژاپن، انگلستان، استرالیا. خرم‌آباد: مرکز آموزش عالی آیت‌اله کمالوند.